

## زهرا ابوالحسنی (مدیر گروه جامعه و پیشرفت پژوهش‌ها) و پیشرفت پژوهش‌ها (فناوری)

پیشرفت را اگر به معنای آن حرکت مستمر انقلاب و جامعه ما به سمت آرمان‌های اسلامی بدانیم، این حرکت مستمر وجود داشته است گرچه ممکن است در مقاطعی کند شده یا از مسیر صحیح منحرف شده باشد. مادر انقلاب اسلامی داعیه حرکت جدید به سمت ایجاد جامعه پیشرفته اسلامی را داشتیم و اکنون این ذهنیت نسبت به روایت پیشرفت وجود دارد که انگار مادنال توجیه و وضعیت موجود دستاوردهای چهل ساله خودمان هستیم. اسمش را هم می‌گذاریم امیدآفرینی؛ یعنی اینکه مردم بیایند بهتوان نشان بدهم من چه کارهایی کرده‌ام و شما چون حواستان نبوده است و ندیدید، ناامید شده‌اید! به نظر من روایت پیشرفت اگرچه هدف امیدآفرینی را دارد؛ ولی کارکردش این نیست. بلکه در روایت پیشرفت و با مرور مسیری شده، دو هدف اصلی دیگر که گفتمان سازی و تولید اندیشه بومی است، حاصل می‌شوند. در کارکرد گفتمان سازی، دغدغه‌های این است که مردم را با تفصیل بیشتری نسبت به قله آگاه کند و برای دعوت به پیمودن مسیر سخت صعود، ناچار است دشواری‌هایی را که پشت سر گذاشته شده مرور کند تا برای ادامه راه، ایجاد اعتماد به نفس کند. در کارکرد تولید اندیشه بومی، راوی مرور و بررسی می‌کند که کدام مسیر و ایده‌ها و الگوها ما را به قله نزدیک و کدام یک ما را دور کرده است. من هر دو کارکرد را به معنای ارتقای وضع موجود و در تکمیل دعوت به مشارکتی که برای روایت پیشرفت قائل هستیم، می‌دانم.

وقتی می‌گوییم منشأ روایت پیشرفت سیاست است، انگار کارکرد روایت را همان توجیه و بازتولید وضع موجود و حالت استغنا دیده‌ایم. اما خیلی قبل‌تر از اینکه حاکمیت بخواهد به روایت پیشرفت ورود پیدا کند، یک سری جریان‌های فرهنگی و اتفاقاً مردمی بوده‌اند که با همان دغدغه‌های گفتمان سازی پیشرفت و تولید تجربه بومی، به بحث ساخت روایت پیشرفت ورود کرده بودند. دلیل ورودشان

هم این بوده است که دیدند بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با نگاه قبلی جلو نمی‌رود؛ چون توجهی به واقعیت‌ها و تجربه‌ها ندارد. قطعاً ما هر تجربه‌ای که در انقلاب اتفاق افتاده باشد را تجربه پیشرفت نمی‌گوییم، ولی می‌شود چیزهایی را پیدا کرد که تا حدی بومی و کارآمد هستند و حتی به قصد تبیین، به سراغ بازخوانی پسررفت‌ها هم رفت.

برای اینکه این فهم را در تعداد بیشتری تولید کنیم، باید یک فضای جدی تعامل میان شبکه نویسندگان و نشردهندگان این روایت‌ها و گفت‌وگو و نقد آثار روایت پیشرفت ایجاد کنیم. باید یک جمع پیشرانی نسبت به این مسأله جدی امروز انقلاب اسلامی فهم پیدا کند و وسط صحنه بیاید و در مرحله بعد، گسترش پیدا کند. غیر از این دو، ما باید چرخه‌ای متفاوت برای تولید اندیشه و تبیین متفاوت از عرصه پیشرفت را بازتعریف کنیم تا بتوانیم نگاهمان به پیشرفت را تغییر داده و آن را به صحنه جهاد تمدنی ارتقا بدهیم؛ مشابه آن کاری که امام خمینی در مورد دفاع مقدس انجام داده و آن را از یک جنگ نظامی دو همسایه، به مبارزه اسلام و کفر معنا کردند. اگر بتوان پیشرفت را به عنوان عرصه جهاد متعین امروزمان نشان داد، آن وقت هر کسی، از زن خانه‌دار و معلم و کشاورز تا دانشمند و فناور، می‌تواند نسبت خودش را با این صحنه جدید ترسیم کند.

”

وقتی می‌گوییم منشأ روایت پیشرفت سیاست است، انگار کارکرد روایت را همان توجیه و بازتولید وضع موجود و حالت استغنا دیده‌ایم. اما خیلی قبل‌تر از اینکه حاکمیت بخواهد به روایت پیشرفت ورود پیدا کند، یک سری جریان‌های فرهنگی و اتفاقاً مردمی بوده‌اند که با همان دغدغه‌های گفتمان سازی پیشرفت و تولید تجربه بومی، به بحث ساخت روایت پیشرفت ورود کرده بودند

